

تاریخ امتحان ۱۴۰۰/۲/۲۸ شروع امتحان: ۱۰.۳۰ مدت امتحان: ۵۰ دقیقه

به نام خدا

ای ابوذر، به اندازه نیاز، سخن بگوی. گشاده روی و خندان باش که خدای تعالی، گشاده روی و آسان گیر را دوست دارد.

مبادا با برادر مسلمانان قهر کنی، زیرا کردار شایسته در هنگام قهر به درگاه پروردگار پذیرفته نمی شود.

شبی دزدی درآمد و چادرش برداشت. خواست تا ببرد، راه ندید. چادر بر جای نهاد بعد از آن، راه باز یافت. دگر بار چادر برداشت و راه باز ندید، همچنین تا هفت نوبت. از گوشه صومعه آواز درآمد که «ای مرد خود را رنجه مدار که او چند سال است تا به ما دل سپرده است. ابلیس زهره ندارد که گرد او گردد. دزد را کی زهره آن بود که گرد چادر او گردد؟ تو خود را مرنجان ای طرّا! که اگر یک دوست خفته است، دوست دیگر بیدار است».

و نعمت فراموشی در آدمی، اگر تأمل کنی، عظیم تر است از نعمت یادآوری. اگر فراموشی در آدمی نبود، هیچ کس از مصیبتی آرامش نمی یافت و کینه هیچ کس از سینه اش بیرون نمی شد و از هیچ یک از نعمت های دنیا بهره مند نمی شد؛ برای آنکه آسیب هایی که بر او وارد شده، همیشه در برابر او بود.

مادران، دل به مهر فرزندان، گرم و تپنده می دارند و فرزندان در پرتو گرم و گوارای مادر، جان می گیرند و می پرورند و می بالند. این دو را پیوندها و آوندهایی به سرچشمه های یکتایی می رساند و خوشی و ناخوشی یکی را به دیگری پیوند می زند.

مادر، گرامی گوهری است که در کارگاه آفرینش خدای مهربان، همتایی ندارد. از این روست که هر چیز گرانیامه را اگر بخواهند از راه همانندی، بزرگ بشمارند و عزیز بدانند، به مام یا مادر مانند می کنند.

دوستان واقعی، راه نیک بختی را به ما نشان می دهند و همراهان خوبی برای شکوفایی بهتر هستند. آنها مثل آیینه، همان قدر که خوبی ها را پیش چشم می آورند، عیب ها را هم به ما می نمایانند و مهم تر آنکه این همه را بی صدا و بی هیاهو، باز می گویند.

«موفق باشید»